

گزارش خبری

گزارشی از نمایشگاه قصه‌های دیگران

زنان نامرئی

قصه‌های دیگران داستان زنان مهاجری است که تمام عمر را با رنج و سختی طی کرده‌اند. صداها و چهره‌هایی که غم آنها را هیچ‌کس جز خودشان نفهمید. حالا نمایشگاه قصه‌های دیگران سعی کرده بخشی از این رنج را به نمایش بگذارد. این نمایشگاه جمعه در خانه هنرمندان برگزار شد. حیدری شاه‌بیدک، عکاس و ایده‌پرداز گروه عکاسان محله گلشهر، متولد افغانستان است اما در ایران بزرگ شده. او در سال ۲۰۱۸ به افغانستان بازگشت و در آنجا به پروژه عکاسی و مصاحبه با زنان افغانستان مشغول شد.

در مدت یک سال موفق شد از ۵۰ زن با حرفه‌های متفاوت در محل کار یا سکونتشان عکس بگیرد، با آنها کپ بزند و درباره فعالیت‌ها و رویاهایشان برای افغانستان و از احتمال بازگشت طالبان سؤال کند. تصاویر و روایت‌های این کارناما، قصه‌های زنانی را شهادت می‌دهند که با وجود تفاوت‌های نگرش و فعالیتشان، امروز تنها به جرم زدن بون نامرئی شده‌اند.

ایرانی‌ها ما را نمی‌پذیرند

خدیجه یورکاظمی از فعالان مؤسسه مهر و ماه در بخش‌ی از این برنامه گفت: به در ایران به دنیا آمده‌ام و همچنان یک مهاجر هستم. در زندگی با ناملایمات بسیاری روبه‌رو بوده‌ام. هرگز به مدرسه نرفتم و نتوانستم کنار دانش‌آموزان روی یک نیمکت بنشینم، چراکه کارت آمایش من از کرج صادر شده بود و می‌گفتند باید در کرج درس بخوانم. دوران ابتدایی را در نهضت سوادآموزی گذراندم و سه سال راهنمایی را در طرح جامع، دبیرستان را به دلیل مشکلات متعدد ناتمام رها کردم. با این حال، توانستم خودم را به‌عنوان یک زن افغان توانمند کنم و با کمک مؤسسه مهر و ماه مسیر جدیدی را آغاز کردم. از سال ۹۵ که با یک ایرانی ازدواج کردم و تابعیت ایرانی گرفتم، زندگی‌ام تغییر کرد.

من همان خدیجه قبلی هستم با همان توانمندی‌ها، اما اکنون احترام بیشتری از دیگران دریافت می‌کنم. مثلاً می‌توانم حساب بانکی به نام خودم باز کنم، تنها به خاطر داشتن یک کد ۱۰ رقمی. این تغییرات باعث شد درهای زیادی به رویم باز شود. اما همچنان با چالشی مواجه هستم؛ هم‌وطنان افغان ما را «ایرانی» خطاب می‌کنند و ایرانی‌ها ما را به طور کامل نمی‌پذیرند.

زنان افغانستان آرزوی رفت و آمد آزاد در خیابان را دارند

بتول اکبری از خانه کابل در تهران هم در بخش دیگری از برنامه این نمایشگاه اشاره کرد: «من در ایران متولد شدم و در رشته گرافیک تحصیل کرده‌ام. در دوران جمهوریت افغانستان، هر زمان که به این کشور سفر می‌کردم، در انستیتوهای هنری به دختران مینیاتور آموزش می‌دادم. خانواده‌ای که در آن بزرگ شدم به مسائل افغانستان آگاهی داشتند و شرایط آنجا را از نزدیک می‌شناختم.

اما باید گفت که شرایط هیچ کشوری را نمی‌توان با فلسطین مقایسه کرد، همان‌طور که شرایط ایران با افغانستان قابل مقایسه نیست. زنان افغان اکنون آرزو دارند بتوانند در کوچه‌ها و خیابان‌های کشورشان آزادانه رفت‌وآمد کنند، اما در حال حاضر، آنها بدون همراهی یک مرد حتی اجازه خروج از خانه را ندارند. آنها آرزو دارند بتوانند در کنار رودخانه‌ای بنشینند یا روی نیمکتی در پارک استراحت کنند، اما طالبان این حقوق ساده را هم از آنها سلب کرده است.»

دیگرانی با نام مهاجر

چیدمان این نمایشگاه کمی متفاوت از نمایشگاه‌های دیگر بود. تصاویر روی زمین و صدای روایت‌ها برای گوش‌دادن روی دیوار بود که هلیا همدانی، برگزارکننده نمایشگاه «قصه‌های دیگران»، در پاسخ به انتقاداتی درباره اینکه چرا عکس‌ها روی زمین چیده شده‌اند و چرا از عنوان «دیگران» به‌کار نرفته‌اند استفاده شده است، گفت: «برخلاف اغلب نمایشگاه‌ها، این نمایشگاه نگاهی به زمین دارد و هدف آن نشان‌دادن مفهوم «دیگری» بودن است.

وقتی یک فرد افغان نمی‌تواند به مدرسه برود یا در برخی محله‌ها و شهرها زندگی کند، او به نوعی «دیگری» محسوب می‌شود. من خواستم چالشی ایجاد کنم که نشان دهد ما اغلب «دیگری» را نمی‌بینیم. انتخاب این شیوه چیدمان عمدی بوده، هرچند ممکن است دافعه ایجاد کرده باشد، حتی برای مهاجران و هم مخاطبان نمایشگاه.

این کار برای این است که به ما یادآوری کند هرکدام از ما مهاجران را به‌عنوان «دیگری» می‌بینیم. ظلمی که بر زنان افغان وارد می‌شود، بسیار پیچیده‌تر و سخت‌تر از آن چیزی است که به چشم می‌آید.»



نسترن فرخه

در سال تحصیلی جدید تعداد کودکان محروم از تحصیل آمار بیشتری را به خود اختصاص داده است؛ از کودکان ایرانی که به دلیل شهریه مدارس دولتی و هزینه و آموزش محروم از تحصیل شدند تا کودکان مهاجر و افغانستانی که علاوه بر محدودیت‌های سال قبل، امسال رسماً آموزش و پرورش از ثبت‌نام آنها سر باز زده است. بر اساس گفته مدیران مدارس و مراکز مردم‌نهاد تا اواخر شهریور آموزش و پرورش به مدارس ایلان کرده بود تا اطلاع ثانوی مدارس حق ثبت‌نام کودکان افغانستانی را ندارند. پس از آن هم در بیستم شهریور، یعنی در زمانی که کنجایش مدارس برای ثبت‌نام تمام شده، بخش‌نامه‌ی منتشر شد که موانع بیشتری را برای این‌ دانش‌آموزان ذکر کرده؛ از امکان تحصیل در برخی رشته‌های خاص تا ممنوعیت از ثبت‌نام افراد بدون کد یکتا، در واقع همین موضوع بر میزان کودکان ترک تحصیلی این دو سال افزایش چشمگیری داشته؛ چون پروسه دریافت کد یکتا در بسیاری از موارد غیرممکن است، با این حال برای بررسی موضوع از طرف آموزش و پرورش، علی‌فرهادی به‌عنوان سخنگوی وزارت آموزش و پرورش پاسخ هیچ‌کدام از تماس و پیام‌های خبرنگار «شرق» درباره وضعیت تحصیل و سرنوشت این کودکان را نداد. همچنین بر اساس تجربه مراکز مردم‌نهاد، حتی اگر کودکان موفق به ثبت‌نام در مدارس هم شوند، در هنگام ثبت‌نام و در طول دوران تحصیل عمدتاً رفتار توهین‌آمیز بسیاری از مسئولان مدارس و ترویج اختلاف میان کودکان ایرانی و افغانستانی، شرایط را برای کودکان مهاجر سخت‌تر می‌کند، به‌طوری‌که همین موضوعات منجر به ترک تحصیل خودخواسته بسیاری از کودکان افغانستانی شده است. کل کلاف‌گیرخود سیستم آموزشی کشور هر سال با پیچیدگی بیشتری روبه‌رو می‌شود که تبعات آن در سال‌های آینده به صورت معضلات اجتماعی بیشتری نمایان خواهد شد.

تلاش ناموفق برای حق تحصیل کودکان مهاجر در مدارس دولتی

طبق گفته مسئولان مؤسسه مهر و ماه به «شرق»، در سال جدید تحصیلی شهریه‌های میلیونی برای کودکان ایرانی همچنان معضل اصلی ثبت‌نام در مدارس دولتی است و ۱۱ کودک از کودکان مهاجری که همگی سال گذشته مشغول به تحصیل در مدارس دولتی بودند وکد یکتا هم داشتند، در موقعیت تغییر مقطع تحصیلی به مشکل ثبت‌نام برخورد کردند. برای مثال هشت کودک که پایه ششم را تمام کردند، مدیران مدرسه از ثبت‌نام آنها خودداری کردند و سه کودک در مقطع دوم متوسطه هم همین مشکل را دارند. با آنکه همه این ۱۱ کودک جزء دانش‌آموزان کوشای مدرسه به حساب می‌آمدند، از کودکان بازمانده از تحصیل سال گذشته، ۴۳ نفر نقل مکان یا ترک تحصیل کردند و فقط ۱۸ کودک ایرانی توانستند وارد کلاس اول بشوند و بقیه هیچ‌کدام نتوانستند ثبت‌نام کنند. ۲۲ کودک هم به دلیل کسب نر نتوانستند ادامه تحصیل دهند و از بین آن‌ها ۱۲ نفر شش‌ه یکتا دارند که با مشکلاتی نظیر بسته‌بودن سایت سنجش روبه‌رو هستند و هنوز موفق به ثبت‌نام نشده‌اند. دیگر کودکان اوراق معتبر ندارند و هیچ‌کدام تا این لحظه موفق به دریافت کد یکتا نشده‌اند. علاوه بر کودکان سال گذشته، بیش از ۸۰ کودک جدید به مؤسسه مراجعه کردند که هیچ‌کدام نتوانستند کد یکتا بگیرند و متأسفانه به دلیل ظرفیت بسیار محدود نتوانستیم در مهر و ماه هم ثبت‌نام‌شان کنیم.

انجمن حمایت از حقوق کودکان هم با وجود جالش‌های بسیار برای گرفتن کد یکتا برای دانش‌آموزان افغانستانی امسال نتیجه خاصی از تلاش خود ندیده و مسئولان آن به «شرق» اعلام کردند که مطابق سال قبل، امسال هم سایت یکتا را برای ثبت‌نام تعیین کردند مگر تاکنون باز نشده. جالب است بچه‌های افغانستانی که سال قبل به مدرسه می‌رفتند، امسال در مدارس ثبت‌نام نمی‌شوند و مدیران مدارس دولتی می‌گویند دستور آمده تا هیچ کودک افغانستانی را ثبت‌نام نکنیم. امسال اصلاً ثبت‌نامی برای کودکان افغانستانی در مدارس نداشتیم، حتی کودکانی که مدارک قانونی داشتند هم ثبت‌نام نشدند و بلاکلیف هستند. در خانه کودک شوش و ناصر خسرو هیچ ثبت‌نامی جز دو مورد که آن‌هم با مکافات فراوان بود، نداشتیم.

بر اساس گفته‌های مسئولان انجمن‌برنده درخت‌کوچک، سال تحصیلی گذشته از ۱۵۰ کودک، ۱۲۰ نفر کد یکتا گرفتند و ۵۰ کودک موفق به ثبت‌نام در مدارس دولتی شدند. الباقی کودکان هم ترک تحصیل کردند. در سال تحصیلی جدید یعنی تاکنون حدود ۱۳۰ کودک به بهزیستی برای دریافت کد یکتا معرفی شده که تاکنون هیچ پاسخی از طرف بهزیستی و دفاتر کفالت جهت دریافت کد یکتا نگرفتیم. گرفتن کد یکتا هم با موانع بسیار دشواری همراه است که بسیاری از خانواده‌ها به نتیجه نمی‌رسند و همین عامل ترک تحصیل کودک‌شان می‌شود. زمانی هم که افراد کد یکتا می‌گیرند، با موانع جدید مدارس روبه‌رو می‌شوند. برای مثال از بهانه‌های مدیران مدارس مثل نبود جا تا مطالبه هزینه‌های بالا برای ثبت‌نام در مدارس دولتی و همچنین رفتارهای نامناسب و خارج از اخلاق برخی مسئولان مدارس با خانواده‌ها و دانش‌آموزان که این توهین و تحقیر در طول سال هم ادامه خواهد داشت. چالش بر سر کد یکتا در این دو سال باعث محرومیت بسیاری از تحصیل شد. سال گذشته کد یکتا، یک‌سری اواخر مهر و یک‌سری اواخر آبان به دست کودکان رسید و وقتی کد یکتا آمد، مدارس پر شده بودند و می‌گفتند جا ندارند. مجبور بودیم از آموزش و پرورش و بهزیستی نامه به مدارس ببریم ولی مدیران حتی نامه‌ها را هم قبول نمی‌کردند.

طبق داده‌های انجمن دوستداران کودک پوشش آنها هم امسال بیش از سال قبل با چالش برای ثبت‌نام کودکان در مدرسه مواجه بودند و در گفت‌وگو با «شرق» اعلام کردند: سال قبل ما تمام رویه‌هایی که امکان ثبت‌نام کودکان را فراهم می‌کند، پیدا کردیم و امسال با وجود پیگیری مدارک اقامتی کودکان در تلاش بودیم تا بچه‌ها را ثبت‌نام کنند. با وجود همه اینها دفاتر کفالت ترک فعل می‌کنند. در این مدت به دلیل مسائل اقتصادی خانواده‌های ایرانی بسیاری به مناطق حاشیه شهر اضافه شدند؛ بنابراین کودکانی که مدارک قانونی هم دارند، امکان اینکه بازمانده از تحصیل شوند، زیاد است؛ چون بسیاری از مدارس کاملاً اشباع شده است. بسیاری از کودکان هم بعد از سرشماری وارد ایران شدند و هیچ کاری هم برای مدارک اقامتی آنها نمی‌توان انجام داد. تنها می‌توانند در «ان‌جی‌او‌ها» درس بخوانند که همین به یک چالش جدی تبدیل شده، چون «ان‌جی‌او‌ها» هم دیگر جا ندارند. تا الان هم هنوز ثبت‌نامی در مدارس دولتی برای کودکان افغانستانی نداشتیم.

مدیران و معلمان: بخش‌نامه دادند کودک افغانستانی ثبت‌نام نکنیم

بر اساس بخش‌نامه آموزش و پرورش که بیستم شهریور منتشر شد، در سال تحصیلی جدید شاهد افزایش کودکان ترک تحصیلی خواهیم بود. از ممنوعیت برای ورود به برخی رشته‌ها تا موانع ثبت‌نام مثل الزام به کد یکتا و ابلاغ دیر هنگام بخش نامه که حتی در صورت کامل‌بودن مدارک یک دانش‌آموز مهاجر، تکمیل ظرفیت مدارس مانع از ثبت‌نام خواهد شد. با این حال مدیران و معلمان‌های چند منطقه که تجربه داشتن دانش‌آموز افغانستانی را داشتند، با «شرق» به گفت‌وگو نشستند. یکی از مدیران هنرستانی در منطقه شش تهران از شاگردان افغانستانی خود می‌گوید که طی چند سال اخیر افزایش پیدا کرده و البته این مدیر موفق حضور این دانش‌آموزان در سیستم آموزشی نیست و می‌گوید: «من خیلی موفق حضور این دانش‌آموزان در هنرستان نیستم چون با مشکلات بسیاری همراه است. از طرفی هم بخش‌نامه داشتیم که اتباع جدید را ثبت‌نام نکنیم». مدیر هنرستانی دیگر در منطقه سعادت‌آباد اما نظر متفاوتی دارد، او موافق تحصیل این دانش‌آموزان است و عدم تحصیل آنها را باعث بروز آسیب‌هایی بی‌شمار در جامعه می‌داند و اشاره می‌کند: «سال قبل دانش‌آموز افغانستانی داشتم که مادر و پدرش هر دو نرژز تحصیل کرده بودند و نسبت به خانواده‌های دیگر دانش‌آموزان، فرقی‌ختره‌تر به حساب می‌آمدند، با این حال وقتی وسط سال تحصیلی برخی متوجه شدند این دانش‌آموز افغانستانی است، شروع به توهین و تمسخر کردند که خودم بشخصه با آنها برخورد کردم و برای دانش‌آموزان توضیح دادم هیچ تفاوتی بین شما با یکدیگر نیست». معلم مدرسه‌ای در منطقه ۹ هم باور دارد به دلیل امکانات کم سیستم آموزشی کشور، ثبت‌نام کودکان افغانستانی باعث می‌شود تا کودکان ایرانی محروم از تحصیل شوند. از طرفی معلم دیگری از منطقه ۱۸ تهران که دانش‌آموز افغانستانی دارد، عقیده دارد سیستم آموزش فعلی توانایی مدیریت چالش‌های کودکان افغانستانی را ندارد. برای مثال وضعیت دریافت کتاب درستی یا عدم هم‌پایه‌سازی صحیح و ضعف در پایه تحصیلی کودکان افغانستانی، معلم مدیران را با مشکل مواجه می‌کند و وقتی هم به درستی این موضوع بررسی نشود خودبه‌خود کودک به سمت ترک تحصیل و خارج‌شدن از چرخه آموزش حرکت می‌کند.

گزارش «شرق» به مناسبت شروع سال تحصیلی از افزایش تعداد کودکان محروم از تحصیل ایران

کودکان بی آینده



عکس سبیل‌سبحان زین‌الدین طاهران

اجرای سیاست‌های دو هزار سال پیش در مدارس

ممنوعیت تحصیل برای کودکان مهاجر هر سال شکل جدیدی به خود می‌گیرد، در حالی که هرچه محرومیت از تحصیل برای کودکان بیشتر باشد، پیچیدگی چالش‌های اجتماعی هم به همان اندازه افزایش خواهد داشت. آرش نصرآصفهانی، دانش‌آموخته و فارغ‌التحصیل دکتری جامعه‌شناسی و پژوهشگر مسائل اجتماعی از این موضوع را مورد تحلیل قرار می‌دهد و در گفت‌وگو با «شرق» سیستم آموزش و پرورش را دخیل بر رشد این تفکر می‌داند. «بر اساس قانون حمایت از اطفال و نوجوان‌ها، منع کودکان از تحصیل جرم محسوب می‌شود و حتی برای کودکانی که مدارک اقامتی ندارند، وزارت کشور مکلف شده آنها را به نهادهای آموزشی یا ارائه خدمات معرفی کند تا در هر حال از خدمات آموزشی محروم نشوند. پس این‌طور نیست که اگر کسی مدرک اقامتی ندارد، نباید ثبت‌نام شود و تفسیر این قانون یعنی اینکه همه کودکان باید بتوانند درس بخوانند. اما اجرای منوط‌شدن ثبت‌نام کودکان به کد یکتا که از سال قبل شروع شد، عملاً باعث شد کودکانی که کد اقامتی ندارند نتوانند کد یکتا بگیرند. دستورالعمل جدیدی هم در این خصوص منتشر شده که تصریح کرده کودکی که کد یکتا ندارد، امکان ثبت‌نام در مدارس را ندارد. برخلاف قانون حمایت از اطفال و نوجوان‌ها برای کودکانی که کد یکتا ندارند و می‌خواهند آن را بگیرند، فرایند خاصی وجود ندارد. حتی وقتی خانواده‌های افغانستانی پیگیری می‌کنند، به آنها گفته می‌شود صبر کنند تا بخش‌نامه بیاید، در صورتی که این فرایند در بخش‌نامه‌ها هم تغییری نکرده است. این موضوع هم خلاف قانون فعلی است و هم برخلاف فرمان رهبری برای ثبت‌نام کودکان افغانستانی در مدارس است. این پژوهشگر اضافه می‌کند: «به نظرم ما فقط افرادی که در مورد تهدیدبودن حضور کودکان افغانستانی در مدارس ایران صحبت می‌کنند، باز درس‌نخواندن این افراد ضرر بیشتری برای جامعه خواهد داشت، متأسفانه نگاهی شکل گرفته است؛ خدمات‌دادن، راهی برای بازگشت افغانستانی‌ها به کشورشان است. بنابراین با این منطق خانواده‌ها را مجاب می‌کنند تا به کشور خود برگردند. ضمن اینکه بسیاری از خانواده‌ها تصور می‌کنند حضور کودکان افغانستانی در مدارس برای فرزندان آنها مشکل ایجاد خواهد کرد. با وجودی‌که آموزش و پرورش در ایران باید یاد دهد همه انسان‌ها با هم برابر هستند، تحت این فشار، سیاست‌های دو هزار سال پیش را در مدارس اجرا می‌کند؛ از ثبت‌نام‌نکردن تا تفکیک ایرانی و افغانستانی سر صف و کلاس درس. جایی که باید محل مقابله با این تفکرات باشد، اتفاقاً همان جا این نوع تفکر را آموزش می‌دهد و به کودکان ایرانی می‌گوید این حق شماست که تمایل نداشته باشید در کنار آنها بنشینید. ترکیبی از این نگرش‌های ضد مهاجر عمومی در کنار سیاست‌های رسمی باعث می‌شود کودکان افغانستانی هم در فرایند ثبت‌نام مشکل داشته باشند و هم به دلیل انواع رفتارهای متفاوت که تجربه می‌کنند عملکرد خوبی هم در تحصیل نداشته باشند. با این وجود، چون این افراد امید چندانی به آینده ندارند پس تحصیل را راه مناسبی برای موفقیت خود در آینده نمی‌دانند». اصفهانی مشکل اصلی را تراکم جمعیت افغانستانی‌ها در مناطقی خاص می‌داند و اشاره می‌کند: «مشکل اصلی ما الان مناطقی است که تراکم جمعیت افغانستانی‌ها در آن بالاست؛ در واقع شهرستان‌های استان تهران حادثه‌زای مناطق است. البته در نظر داشته باشیم در همین مناطق هم از هر صد دانش‌آموز ۱۴ نفر افغانستانی هستند. در حالی که همین تراکم جمعیت حدود یک‌چهارم کل دانش‌آموزان افغانستانی که در مناطق حاشیه تحصیل می‌کنند، فشاری بر کل سیستم آموزشی این مناطق می‌آورد. مشکل اصلی ما الان نامتوازن بودن جمعیت مهاجران در کشور است و همین منجر به تنش و چالش‌های اجتماعی خواهد شد. در تمام کشور بیش از ۱۷ میلیون دانش‌آموز داریم که کل دانش‌آموزان افغانستانی ایران ۶۰۰ هزار نفر است، ولی چون تمرکز خاص دارند باعث فشار به کل زیرساخت می‌شود. ما ۴۵ سال است که با منع خدمات به مهاجران می‌خواهیم این موضوع را مدیریت کنیم، ولی شرایط داخل افغانستان از نظر معیشتی و امنیتی آن‌قدر سخت است که مردم آنجا برای زنده‌ماندن ناچار هستند کشورشان را ترک کنند. این جمعیت وقتی وارد ایران می‌شود در کنار معیشت بسیار سخت امکان استفاده از هیچ خدمات آموزشی و بهداشتی هم ندارد. سیاست‌های ما یک جمعیت سرکوب‌شده فقیر و سرخورده را شکل می‌دهد که بسیاری از آنها با وجودی‌که چند نسل در ایران بودند هم به عنوان گروه پرده‌ش از بدنه اصلی جامعه در معرض تهدید قرار دارند. این جمعیتی که می‌سازیم چندان به ویژگی‌های فردی، فرهنگی و نژادی آن گروه ربط ندارد، بلکه به دلیل سیاست‌هایی است که ما اعمال می‌کنیم. دقیقاً شبیه به سیاست‌های آپارتاید که علیه سیاه‌ها اعمال می‌شد. مثلاً الان باید از جای متفاوت می‌خریدند و احتمالاً شیر آب هم جدا می‌شود و بی‌کفایتی و بی‌مسئولیتی قانون‌گذاران و مجریان قانون سبب تداوم چرخه فقر خواهد بود و رنج بی‌پایان اقتشار فرودست ادامه خواهد یافت.»

گزارش

حواس‌مان به کودکان محروم از تحصیل باشد

شرق: کودکان بازمانده از تحصیل، تقریباً در تمام شهرها به‌ویژه مناطق محروم، امسال هم محروم از درس و مدرسه خواهند بود. باوجوداین نیکی ثابتی، مددکار مؤسسه یاریگران کار، بویا، در گفت‌وگو با «شرق» به چالش‌های همیشگی در زمان ثبت‌نام کودکان مهاجر در مدارس دولتی اشاره می‌کند و می‌گوید: «چند روز دیگر سال تحصیلی جدید، به شکل جدی شروع خواهد شد و درباره مشکلات پیش‌رو برای ثبت‌نام کودکان، از زاویه هدف خودمان در این مجموعه به موضوع می‌پردازم. کودکانی که در شرایط دشوار زندگی می‌کنند و اغلب آنها هم اتباع هستند. دلیل اصلی اینکه در مؤسسه ما ثبت‌نام شدند، همین است که شرایط تحصیل در مدرسه دولتی را نداشته‌اند، ما هم سعی کردیم مقطع ابتدایی را به این کودکان آموزش بدهیم اما مشکل اصلی زمانی شروع می‌شود که مقطع ابتدایی آنها تمام می‌شود و بعد از آن باید در مدارس دولتی ادامه تحصیل دهند، اما چون اوراق هویتی ندارند، این ماجرا با چالش‌های فراوانی همراه می‌شود. از همان اول تلاش‌مان بر این است تا آنها را برای سبزی‌کردن این چالش راهنمایی کنیم. مثلاً پدر و مادر این کودکان را آگاه کنیم تا حداقل برگه سرشماری، کارت کفالت و مدارکی از این دست را بگیرند. همچنین حتماً این مدارک را داشته باشند، چون با داشتن این مدارک فرایند ثبت‌نام کودکان در مدارس دولتی کمی سهل‌تر می‌شود. رسالت ما بر این است که چنین آموزش‌هایی را حتماً کودکان ببینند تا در اواسط تحصیل به دلیل این‌طور چالش‌ها از درس و تحصیل عقب نمانند. با وجود این باز هم مسائلی پیش می‌آید و سیاست‌گذاری‌هایی تغییر می‌کند که موانعی برای تحصیل کودکان به وجود می‌آید. بعضی از مدارس تا متوجه می‌شوند که کودک افغانستانی است، او را در مدرسه ثبت‌نام نمی‌کنند، چون اولویت آنها کودکان ایرانی هستند. از طرف دیگر آموزش و پرورش هم همکاری نمی‌کند و به دلیل آنکه اغلب والدین آنها سواد کافی ندارند، این بروسه را نمی‌توانند به‌راحتی طی کنند تا حق کودکانشان را بگیرند. همین ناآگاهی باعث می‌شود تا خیلی از مدارک لازم برای ثبت‌نام را تهیه نکنند و معمولاً کسی هم آنها را در این بروسه راهنمایی نمی‌کند.

یکی از اینهاکارهایی که در این زمینه وجود دارد، مطالبه‌گری است که «ان‌جی‌او‌ها» باید در این زمینه به صورت جدی فعالیت کنند تا به یک نظر واحد برسند.

نگاه

انگار همه عادت کرده‌ایم

شرق: مردادماه خبری از قطع دست کارگری ۱۴ساله در معدن زنگان منتشر شد؛ موضوعی که چندان بازتابی در بین رسانه‌های مختلف نداشت و همین بی‌توجهی، آن‌هم در بین هزاران خبر تلخ داخلی و خارجی، واکنش بسیاری از فعالان حوزه کودک را برانگیخت. با این وجود، سهیلا آبنانی، عضو انجمن برنده درخت کوچک در یادداشتی به «شرق» نوشت: «قصه پرغصه کودکان کار، خبر هولناک قطع دست کودک ۱۴ساله در معدن شاهسنگ در استان زنگان قریب به یک ماه پیش تنها در چند خبرگزاری بی‌سروصدا منتشر شد. در این حادثه، دست کودک کارگر به‌طور کامل از کتف قطع و از بدن جدا شد. طبق ماده ۷۹ قانون کار ایران، کار افراد زیر ۱۵ سال ممنوع است؛ اگرچه مطابق پیمان‌نامه حقوق کودک ۱۸سالگی ممنوع است. اما فقر و شرایط سخت زندگی، برخی از کودکان را وادار به کار در غیرانسانی‌ترین شرایط و محیط‌های خطرناک می‌کند. همچنین پرداخت حقوق و دستمزد کم به کودکان و بی‌پناهی آنان سبب سوءاستفاده کارفرمایان از این نیروی کار ارزان می‌شود. کودکی که از تحصیل محروم مانده، یک دست خود را به‌طور کامل از دست داده و دچار ضربات جدی روحی، روانی و جسمی شده، چگونه می‌تواند گذران زندگی کند؟ چه نهاد و ارگانی حامی او خواهد بود؟ عدم اجرای قوانین حمایتی نیم‌بند موجود، به رسمیت نشناختن نهادهای مدنی حقوق کودک از سوی دولت‌ها، ندادن اجازه به آنها برای ورود و دخالت در این‌گونه مسائل و بی‌کفایتی و بی‌مسئولیتی قانون‌گذاران و مجریان قانون سبب تداوم چرخه فقر خواهد بود و رنج بی‌پایان اقتشار فرودست ادامه خواهد یافت.»